پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۳
شماره ۴۲۷۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

آمریکایی‌ها با انتخاب ترامپ برای فرار از وضع موجود به آنارشیسم پناه بردند

فرار از گلوبالیسم به ترامپیسم

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

پس از شکست معنادار دموکرات‌ها به دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶، فرانسیس فوکویاما، نظریه‌پرداز و پدر فکری نومحافظه‌کاران آمریکا، دست به قلم برد و کتاب «هویت» را نوشت و در آن تأکید کرد که اگر ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌شد، این کتاب هیچ‌وقت نوشته نمی‌شد. دیروز و با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، کسی نمی‌داند صاحب نظریه «پایان تاریخ» به چه چیزهایی فکر کرده است. او که در سال ۲۰۱۴ مقاله‌ای در فارن افرز نوشت و نسبت به «روند اضمحلال و فروپاشی سیاسی که در ایالات متحده ریشه دوانده بود»، ابراز گلایه کرده بود، احتمالا یاد فیلم «جنگ داخلی» به کارگردانی «الکس گارلند» افتاده است. داستان این فیلم، روایت یک جنگ داخلی گسترده بین ارتش رئیس‌جمهور و ارتش ایالت‌های غربی است. این جنگ داخلی، هرج‌ومرجی بی‌پایان را در بسیاری از بخش‌های کشور به راه انداخت تا به دلیل ناامنی، تردد در ایالت‌ها از مسیرهای بسیار طولانی‌تر انجام پذیرد و هیچ گروهی نیز نباشد که بتواند امنیت را برقرار کند. در انتهای فیلم نیز رئیس‌جمهور که در ابتدای داستان مدعی بود «الان از همیشه به پیروزی نزدیکتریم» پس از گفتن این جمله ملتمسانه که «نذار من رو بکشن»، کشته می‌شود. احتمالا فوکویاما و همفکران او تا ۴ سال سخت با ترامپ را نداشته باشند و آرزو کنند که سرنوشت رئیس‌جمهور ترامپ، شبیه به رئیس‌جمهور فیلم جنگ داخلی شود. آنها حق هم دارند؛ تا همین چند ماه پیش، کمتر دموکراتی بود که باور کند دونالد ترامپ، یکبار دیگر پنجره‌های کاخ سفید را از نزدیک ببیند. در نگاه آن‌ها ترامپ تقریبا هر شکلی از زشتی که ذهن یک انسان توان فکر کردن به آن داشته را در سوابقش داشت؛ از ارتباط با بازیگران فیلم‌های غیراخلاقی گرفته تا فرار مالیاتی، تشویق هوادارانش به حمله به کنگره، پرونده کیفری، نگهداری اسناد محرمانه و... آن‌ها رئیس‌جمهور سابق را در حلقه‌ای از پرونده‌های قضایی و کیفری گرفتار کرده بودند؛ پرونده‌هایی که شاید می‌توانست ترمز ترامپ را بکشد اما با دریایی از وکلا و همکاری بخشی از سیستم قضایی، رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهور سابق به بعد از انتخابات موکول شد. این رأی دادگاه، آب سردی بر پیکر دموکرات‌های خوش‌خیالی بود که تصور می‌کردند با جو خواب‌آلو (جو بایدن) هم می‌توانند پیروز انتخابات شوند. این رویا با مناظره نخست بایدن با ترامپ، از هم گسیخته شد تا کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور پای در رقابت‌های انتخاباتی بگذارد. اقتصاد بحران‌زده، جنگ‌های غرب آسیا و اوکراین و آن ترورهای بی‌فرجام در کنار ناسیونالیسم عریانی که ترامپ نشانه آن بود، دست در دست هم داد تا ۵ نوامبر ۲۰۲۴، زیباترین روز زندگی ترامپ در ۴ سال گذشته باشد. او حالا به‌عنوان چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا است؛ رئیس‌جمهوری که معلوم نیست همان «مرد دیوانه» ۸ سال قبل باشد یا یک نمونه ارتقا یافته. او اولین رئیس‌جمهور سابقی است که با وجود مجرمیت، به کاخ سفید وارد خواهد شد. در عین حال او دومین رئیس‌جمهور پس از گروور کلیولند است که پس از یک دوره شکست مجددا وارد کاخ سفید شد. اما نکته قابل توجه این است که فاصله این دو ۱۳۲ سال است. ترامپ همچنین با ۷۸ سال سن، مسن‌ترین فردی است که به این سمت انتخاب شده است.

او چطور بازگشت؟

صبح دیروز، نتایج انتخابات آمریکا مشخص شد. دونالد ترامپ با کسب ۷ رأی الکترال کالج بیش از حدنصاب لازم (۲۷۰ رأی) در انتخابات پیروز شد. در ایالت به ایالت، ترامپ از آنچه در انتخابات ۲۰۲۰ انجام داد بهتر عمل کرد، در حالی که هریس نتوانست مانند جو بایدن برای پیروزی در ریاست‌جمهوری چهار سال پیش عمل کند. این دومین باری است که ترامپ در انتخابات توانسته، نامزد رقیب که یک زن است را شکست دهد. بر خلاف انتخابات ۲۰۱۶، در این انتخابات رقیب ترامپ، بسیار دیر وارد عرصه شد. او با وجود موج اولیه قابل توجه در اطراف مبارزات انتخاباتی‌اش، در طول یک جدول زمانی فشرده تلاش کرد تا رأی‌دهندگان سرخورده را متقاعد کند که او ادامه‌دهنده یک دولت نامحبوب نیست. هریس بیشتر پیام اولیه خود را حول موضوعات شاد متمرکز کرد اما برخلاف او ترامپ یک حس قوی از خشم و عصبانیت را در میان رأی‌دهندگان ایجاد کرد. او از ناامیدی ناشی از قیمت‌های بالا و ترس از جرم و جنایت و مهاجرانی که به طور غیرقانونی در دولت بایدن وارد کشور شده‌اند، استفاده کرد. او همچنین بر جنگ‌های خاورمیانه و حمله روسیه به اوکراین برای نشان دادن نقش دموکرات‌ها در هرج و مرج جهانی تاکید کرد. اما لحظه تعیین‌کننده انتخابات ریاست‌جمهوری متعلق به روزی بود که یک مرد مسلح در گردهمایی ترامپ در باتلر، پنسیلوانیا به سمت او تیراندازی کرد. گلوله‌ای به گوش ترامپ خورد و یکی از حامیانش را کشت. ترامپ در حالی که صورتش پر از خون بود، ایستاد و مشتش را به هوا بلند کرد و فریاد زد: «بجنگ! مبارزه کن بجنگ!» هفته‌ها بعد، دومین سوءقصد به ترامپ نیز خنثی شد.

بازگشت بعید اما شدنی

بازگشت ترامپ به کاخ سفید بسیار بعید به نظر می‌رسید. او در اوایل سال ۲۰۲۱ واشنگتن را در حالی ترک کرد که شخصیتی منفور بابت شورش خشونت‌آمیز در ساختمان کنگره بود. او در آن زمان بسیار منزوی بود و از همین رو نیز جمهوری‌خواهان حاضر نشدند همپای دموکرات‌هایی که مجلس نمایندگان آمریکا را کنترل می‌کردند، او را به دلیل نقشش در شورش استیضاح کنند. جمهوری‌خواهان در سنا استدلال می‌کردند که او دیگر تهدیدی نیست زیرا از سمت خود کنار رفته است.

با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۲، ترامپ از قدرت تأیید خود برای نشان دادن خود به‌عنوان رهبر بی‌چون و چرای حزب استفاده کرد. نامزدهای مورد نظر او تقریباً همیشه در انتخابات مقدماتی خود پیروز می‌شدند، اما برخی از آن‌ها در انتخاباتی که جمهوری‌خواهان آن را در اختیار داشتند، شکست خوردند. این نتایج ناامیدکننده تا حدی ناشی از واکنش شدید به حکم دادگاه عالی ایالات متحده بود که حق زنان را برای سقط جنین در قانون اساسی لغو کرد، تصمیمی که با کمک قضات منصوب شده توسط ترامپ صورت گرفت. انتخابات میان‌دوره‌ای پرسش‌هایی را در حزب جمهوری‌خواه در مورد اینکه آیا ترامپ باید رهبر حزب باقی بماند یا نه، ایجاد کرد.

اما اگر آینده ترامپ در هاله‌ای از ابهام بود، در سال ۲۰۲۳ زمانی که او با موجی از کیفرخواست‌های ایالتی و فدرال به دلیل نقشش در قیام، مدیریت اطلاعات طبقه‌بندی شده و دخالت در انتخابات مواجه شد، تغییر کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، او از این اتهامات برای نشان دادن خود به‌عنوان قربانی یک دولت بیش از حد استفاده کرد، استدلالی که با یک پایگاه جمهوری‌خواه که به طور فزاینده‌ای - اگر نه کاملاً خصمانه - نسبت به نهادها و ساختارهای قدرت مستقر بدبین بود، طنین‌انداز شد.

با این اتفاقات، ترامپ به راحتی نامزدی حزب خود را بدون شرکت در مناظره با سایر نامزدهای حزب جمهوری‌خواه به دست آورد. با تسلط ترامپ بر رقابت جمهوری‌خواهان، هیئت منصفه نیویورک در ماه می او را به ۳۴ اتهام جنایت در طرحی برای تأثیرگذاری غیرقانونی بر انتخابات ۲۰۱۶ از طریق پرداخت پول به یک بازیگر فیلم‌های غیراخلاقی، مجرم تشخیص دادند. او در اواخر این ماه با محکومیت روبه‌رو می‌شود، اگرچه پیروزی او باعث پیش آمدن سؤالات جدی در مورد اینکه آیا او هرگز مجازات خواهد شد یا خیر؟ شده است. او همچنین در دو پرونده دیگر در نیویورک متهم شناخته شده است. ترامپ در پرونده نقشش در تلاش برای لغو نتایج انتخابات ۲۰۲۰ و مدیریت نادرست مطالب طبقه‌بندی شده متهم شده است. وقتی ترامپ در ۲۰ ژانویه رئیس‌جمهور می‌شود، می‌تواند یک دادستان کل را منصوب کند که اتهامات فدرال را پاک کند.

ترامپ برای بازگشت به کاخ سفید آماده می‌شود. او قول داده است که به سرعت یک برنامه رادیکال را اجرا کند که تقریباً همه جنبه‌های دولت آمریکا را متحول کند. این شامل طرح‌هایی برای راه‌اندازی بزرگ‌ترین تلاش برای اخراج در تاریخ کشور، استفاده از وزارت دادگستری برای مجازات دشمنانش، گسترش چشمگیر استفاده از تعرفه‌ها و پیگیری مجدد رویکردی با جمع صفر در سیاست خارجی است که تهدیدی برای برهم زدن اتحادهای خارجی طولانی‌مدت از جمله پیمان ناتو است.

وقتی ترامپ در سال ۲۰۱۷ وارد واشنگتن شد، اطلاعات کمی در مورد اهرم‌های قدرت فدرال داشت. دستورکار او توسط کنگره و دادگاه‌ها و همچنین کارکنان ارشد که وظیفه خود را به‌عنوان نرده محافظ بر عهده گرفتند، با مانع مواجه شد. این بار، ترامپ گفته است که اطراف خود را با وفادارانی احاطه خواهد کرد که دستورکار او را اجرا می‌کنند.

زبان و رفتار ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی باعث هشدارهای فزاینده‌ای از سوی دموکرات‌ها و برخی جمهوری‌خواهان در مورد شوک‌هایی به دموکراسی شد که بازگشت او به قدرت به همراه خواهد داشت. او بارها از رهبران قدرتمند تمجید کرد، هشدار داد که ارتش را برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی که او آن‌ها را «دشمن از درون» می‌خواند، مستقر خواهد کرد، تهدید کرد علیه سازمان‌های خبری به دلیل پوشش نامطلوب اقدام خواهد کرد و پیشنهاد تعلیق قانون اساسی را داد. برخی از کسانی که در اولین کاخ سفید او خدمت کردند، از جمله معاون رئیس‌جمهور مایک پنس و جان کلی، رئیس دفتر با سابقه ترامپ، یا از تأیید او خودداری کردند و یا هشدارهای عمومی شدیدی درباره بازگشت او به ریاست‌جمهوری صادر کردند.

نکات

در این بخش با توجه به وضعیت داخلی آمریکا و نیروهای موثر در ساختار قدرت این کشور، به عوامل رأی‌آوری ترامپ در جامعه و نقش نهادهای این کشور در این اتفاق پرداخته شده و نحوه رفتار دولت منتخب مورد بررسی قرار گرفته است.

۱ رأی به ترامپ نشان‌دهنده بروز مشکلات اقتصادی و امنیتی در آمریکاست. مرجع و آدرس این مشکلات نیز اغلب مهاجران تلقی می‌شوند زیرا با حضور آنان مشاغل اشغال شده، سطح دستمزدها به دلیل وفور نیروی کار کاهش یافته و اقداماتشان مانند دزدی به امنیت عمومی ضربه زده است. مردم آمریکا با رأی به ترامپ که ضد مهاجران است، درصدند مشکلات اقتصادی و امنیتی خود را رفع کنند.

۲ خروج از افغانستان، حمله روسیه به اوکراین و جنگ در غرب آسیا که طولانی شده‌اند، به‌زعم برخی در آمریکا حکایت از ضعف این کشور دارد. ترامپ و شعارهایش به نوعی مرهمی بر آلام ملی‌گرایان آمریکایی به لحاظ ذهنی است تا فکر کنند کشورشان در مسیر بازیابی قدرت خود قرار گرفته است.

۳ قاعده رأی‌دهنده به ترامپ وابستگی کمی به رأی‌دهندگان یهودی دارد و از سوی دیگر ملی‌گرایان حاضر در تیم وی، به دلیل نژادپرستی، یهودی‌ستیز نیز تلقی می‌شوند. اگر دموکرات‌ها به دلیل آرای بالای یهودیان و حضورشان در دولت‌های دموکرات به‌طور مستقیم و سنگین تحت تأثیر این قشرند، جمهوری‌خواهان کمتر به شکل مستقیم از یهودیان اثر می‌پذیرند و نوع رفتارشان با آن‌ها و رژیم، متأثر از نگاه دستگاه‌های حرفه‌ای آمریکا و منفعت‌های حزبی است.

هر دو عروس بایدن یهودی بوده، او خود را صهیونیست می‌دانست، همسر معاونش کامالا هریس به همراه دوجین از دولتمردانش شامل آنتونی بلینکن، وزیر امورخارجه، الخاندرو مایورکاس، وزیر امنیت داخلی، جنت یلن، وزیر خزانه‌داری، مریک گارلند، وزیر دادگستری، ایوریل هینز، اداره‌کننده اطلاعات ملی و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی یهودی بودند.

در خانواده و دولت ترامپ نیز افرادی مانند جرد کوشنر، داماد و مشاور او و یا استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری‌اش یهودی بودند، اما این حضور نسبت به آنچه در دولت بایدن رخ داد، کمتر بود.

این مسئله نتایجی درپی خواهد داشت. احتمالا اثرگذاری یهودیان آمریکا بر سیاست داخلی این کشور کاهش می‌یابد، اما قدرت مانور نتانیاهو و همپیمانانش در واشنگتن افزایش خواهد یافت.

رأی یهودیان آمریکا به جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۰، ۷۷ درصد و به هریس در انتخابات ۲۰۲۴، ۷۹ درصد بود درحالی‌که نتانیاهو در هر دو نوبت از ترامپ حمایت کرد اما این اقدام اثری بر رأی یهودیان آمریکا نداشت.

به نظر می‌رسد شکافی میان بدنه اصلی یهودیان آمریکا با دولت رژیم بروز کرده است، به‌گونه‌ای که در زمان روی کارآمدن دموکرات‌ها، نفوذ یهودیان آمریکا از طریق دولت کشورشان بر رژیم افزایش می‌یابد و در زمان حضور جمهوری‌خواهان و به‌ویژه ترامپ، از تأثیر یهودیان این کشور بر تل‌آویو کاسته می‌شود.

نمونه این اتفاق را در نحوه برخورد با یوآف گالانت، وزیر دفاع سابق رژیم می‌توان دید. هنگامی که نتانیاهو سال گذشته گالانت را از سمتش برکنار کرد، این اقدام با مخالفت دولت آمریکا روبه‌رو شد و با ورود مستقیم بایدن، گالانت در سمتش ابقا شد. از این به بعد بود که حضور گالانت در سمت وزیر دفاع نه به دلیل عضویتش در حزب لیکود بلکه به دلیل حمایت دموکرات‌ها بود.

با مشخص شدن پیروزی ترامپ و تنها چند ساعت مانده به اتمام فرآیند رأی‌گیری، نتانیاهو با برکناری گالانت نشان داد حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید چه فشاری به وی وارد می‌کرده است؛ فشاری که عمدتاً در آن یهودیان آمریکایی نقش داشته‌اند. در مقابل، اتحاد نتانیاهو با ترامپ که کمتر تحت تأثیر لابی یهودیان آمریکاست، این واقعیت را آشکار می‌سازد که نهادهای حرفه‌ای این کشور درصدد تعریف نوع ویژه‌ای از روابط میان دو پایتخت‌اند و در فقدان اثرگذاری یهودیان آمریکایی، آن‌ها آزادی عمل خاصی به نتانیاهو می‌دهند.

اثرگذاری یهودیان آمریکایی بر رژیم بیشتر مبتنی بر خنثی‌سازی اثرات راست‌گرایان افراطی است که می‌تواند حیات تل‌آویو را به خطر بیندازد اما هنگامی که نهادهای حرفه‌ای آمریکا مانند ساختارهای نظامی و اطلاعاتی عرصه را خالی ببینند، رژیم را در معرض ضربه دیگران قرار می‌دهند تا منافع آمریکا تأمین شود؛ بدون آنکه نگران ضرباتی باشند که بر پیکره تل‌آویو وارد می‌شود.

با این وجود نتانیاهو و متحدانش نیز دست بسته نیستند. آن‌ها نیز سعی کرده‌اند برای مدیریت اوضاع، شرایط را به گونه‌ای رقم بزنند که به جای رژیم، خود آمریکا در معرض ضربه مستقیم قرار گیرد. نمونه برجسته این پدیده در جریان ترور سردار سلیمانی در ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ رخ داد. ترامپ سال گذشته این واقعه را چنین شرح داده بود: «ما ماه‌ها روی آن برنامه‌ریزی کرده بودیم و اسرائیل قرار بود این کار را با ما انجام دهد. ما همه چیز را آماده کرده بودیم و شب قبل از وقوع، نتانیاهو با من تماس گرفت و گفت اسرائیل در این حمله شرکت نخواهد داشت.» بنابر اقرار رئیس‌جمهور منتخب آمریکا این عملیات قرار بود به صورت مشترک انجام شود اما ناگهان به او خبر دادند که تل‌آویو مشارکت نخواهد کرد. ترامپ گفته است که این کار نتانیاهو را هرگز فراموش نمی‌کند.

با درس گرفتن دولت ترامپ از نحوه رفتار نتانیاهو که در برخوردهای تند اخیر وی با نخست‌وزیر رژیم هویدا شده است، تل‌آویو امکان کمتری برای فریب واشنگتن خواهد داشت. از سوی دیگر در وضعیت کنونی رژیم به طور مستقیم درگیر جنگ است و در این فضا، واشنگتن راحت‌تر خواهد توانست نقشه خود برای هزینه رژیم در مسیر منافعش را عملی کند.

به طور خلاصه در زمان حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید، این یهودیان آمریکایی‌اند که درصدد مدیریت تل‌آویو برمی‌آیند اما در زمان حضور ترامپ، این نهادهای حرفه‌ای آمریکا خواهند بود که دست به مدیریت رژیم خواهند زد.

۴ از نقش سفیدپوستان پروتستان یا آنگلوپروتستان‌ها در آمریکا کاسته شده اما نبض قدرت کماکان در دستان این گروه قرار دارد. با این وجود آن‌ها طی دهه‌های اخیر به شدت تحت تأثیر فشار دیگر نیروهای حاضر در آمریکا قرار گرفته‌اند.

حزب دموکرات موفق شده با جلب نظر این گروه‌ها، آن‌ها را در فضای سیاسی آمریکا دارای نقش سازد. در سه نامزد اخیر دموکرات‌ها، این مسئله مشهود بوده است. باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا هرچند پروتستان به حساب می‌آمد اما از طرف پدری با مسلمانان و از طرف مادری با یهودیان مرتبط بود. از سوی دیگر وی ریشه‌ای کنیایی‌تبار داشت و در اندونزی بزرگ شده بود.

کامالا هریس، نامزد دموکرات‌ها در انتخابات کنونی نیز با وجود پروتستان بودن، تباری هندی داشت و همسرش یهودی بود. جو بایدن، سفید پوست اما نه از نظر رنگ پوست بلکه به لحاظ قومی و مذهبی با دیگر رؤسای جمهور آمریکا تفاوت داشت. او پس از جان اف کندی که در میانه ریاست‌جمهوری‌اش ترور شد، دومین رئیس‌جمهور کاتولیک آمریکا بود. اگر وی با موفقیت دوره‌اش را به اتمام برساند، نخستین رئیس‌جمهور کاتولیکی خواهد بود که دوره‌اش را کامل کرده است. بایدن به لحاظ قومی نیز یک ایرلندی‌تبار بود. این درحالی است که ترامپ با ریشه‌های آلمانی و اسکاتلندی یک آنگلوساکسون تمام‌عیار است.

به نظر می‌رسد پس از عقب‌نشینی آنگلوپروتستان‌ها در برابر اقلیت‌های حاضر در آمریکا، آن‌ها بار دیگر درصدد پیشروی و بازیابی سهم بیشتری از قدرت‌اند. اگر تا پیش از این تصور می‌شد عدم سهم‌دهی به اقلیت‌ها باعث اختلال در عملکرد کشور می‌شود، حالا این ذهنیت ایجاد شده که با عدم بازیابی بخشی از سهم آنگلوپروتستان‌ها در قدرت، آن‌ها نیز احتمال دارد از کنترل خارج شوند.

۵ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، ترامپ ۵ میلیون رأی بیشتر نسبت به رقیب دموکرات خود آورد. از زمان انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۹۲، این دومین بار است که نامزد جمهوری‌خواهان در سطح ملی آرای بیشتری نسبت به رقیب خود می‌آورد. جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۰۰ با جورج بوش پسر و سال ۲۰۱۶ با ترامپ، علی‌رغم رأی کمتر با معجزه آرای الکترال به کاخ سفید راه یافته بودند.

آرای سفیدپوستان به نسبتی میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها تقسیم شده است، اما دموکرات‌ها با جمع‌آوری اقلیت‌ها از اسپانیایی‌تباران و سیاه‌پوستان گرفته تا یهودیان و مسلمانان موفق شده بودند به لحاظ پایگاه رأی، از جمهوری‌خواهان پیشی بگیرند. جمهوری‌خواهان اما با رو کردن ترامپ، موفق شدند با تهاجم به پایگاه‌های رأی دموکرات‌ها، موازنه آرا را تغییر دهند. در انتخابات سال ۲۰۱۶، ترامپ با شعارهای خود موفق شد سفیدپوستان اقشار پایین دست را که معمولا کارگران طرفدار حزب دموکرات بودند، به خود جلب کند. او سپس کوشید تا با روابط با تل‌آویو، آرای یهودیان را نیز برباید. یهودیان با جمعیت ۶ میلیونی خود، تقریبا ۱٫۵ تا ۲ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند اما به دلیل میزان مشارکت بالا، اثرگذاری بیشتری در انتخابات‌ها دارند؛ گفته می‌شود میزان مشارکت عمومی ۷۵ درصد اما در میان یهودیان ۹۰ درصد است. ترامپ در سرمایه‌گذاری روی یهودیان شکست خورد اما در میان اسپانیایی‌تباران، موفق شده است. نظرسنجی‌های خروجی ان‌بی‌سی نیوز نشان داده که موفقیت ترامپ در میان اسپانیایی‌تباران باعث پیش افتادن کارزار انتخاباتی وی از هریس شده است. درحالی‌که در انتخابات ۲۰۲۰ تنها ۲۵ درصد یا یک چهارم اسپانیایی‌تباران به ترامپ رأی داده بودند، در انتخابات اخیر ۴۵ درصد یا تقریبا نیمی از آن‌ها به وی رأی داده‌اند. میزان آرای ترامپ در میان مردان اسپانیایی‌تبار بیشتر بوده و وی در میان آنان با ۱۰ درصد اختلاف از هریس پیشی گرفته است. اینجا به نظر می‌رسد ضدیت جامعه آمریکا با ریاست زنان نیز به کمک ترامپ آمده است. این تغییرات با بازیگری اسپانیایی‌تباران به‌ویژه در ایالت‌های پنسیلوانیا و آریزونا که جزء ایالت‌های نوسانی یا سرنوشت‌ساز هستند، پیروزی را در سبد جمهوری‌خواهان قرار داد.

جمهوری‌خواهان با ترامپ سه طرح را برای حفظ حضور و اثرگذاری‌شان در قدرت به اجرا درآوردند. آن‌ها به موازات پیشبرد طرح خود برای تهاجم به پایگاه‌های رأی حزب دموکرات و جلوگیری از برهم خوردن موازنه آرا، که شامل جلب آرای سفیدپوستان اقشار پایین‌دست، یهودیان و اسپانیایی‌تباران می‌شد، در یک طرح احتیاطی دست‌یابی و حفظ قدرت در فرایندی خارج از صندوق رأی را نیز آزمایش کرده بودند.

اشغال کنگره در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ و تمجیدهای ترامپ از حکومت‌هایی با ریاست‌جمهوری مادام العمر در این راستا ارزیابی می‌شود. طرح سوم جمهوری‌خواهان برای حفظ اثرگذاری، تسلط بر نهادهای مادام العمر مانند دیوان عالی بود؛ به گونه‌ای که در دوره ترامپ موازنه این نهاد به نفع محافظه‌کاران تغییر کرده و هم اکنون ۶ عضو از ۹ عضو آن، به جمهوری‌خواهان نزدیکند.

فرصت‌های ترامپ برای ایران

همگان بر زیان‌های حضور ترامپ برای ایران تمرکز کرده‌اند اما به نظر می‌رسد وی فرصت‌هایی نیز برای تهران دارد. او در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش ضرباتی در قالب تحریم‌ها و ترورها به ایران وارد کرد، اما هم‌زمان فضایی را نیز در اختیار تهران قرار داد تا با مشروعیت کافی دست به تعدیل تعهدات برجامی زده و میزان غنی‌سازی را افزایش دهد. او درحالی کاخ سفید را ترک کرد که ایران کشوری غیرهسته‌ای بود اما زمانی به آن باز می‌گردد که تلاش‌هایش نتیجه معکوس داشته و تهران امروز یک قدرت نهفته هسته‌ای است و هر زمان اراده کند در بازه‌ای کوتاه دست به تولید سلاح می‌زند. با توجه به شرایط موجود، در این بخش به فرصت‌های ترامپ برای ایران پرداخته شده است.

۱ ایران با استناد به تهدیدات ترامپ می‌توانند با ارتقای بازدارندگی و جایگاه قدرتش در جهان، به سمت آزمایش تسلیحات ویژه و موشک‌های دوربرد حرکت کند. با روی کار بودن ترامپ و سابقه اقداماتش، ایران از مشروعیت کافی برای بسیاری از اقدامات برخوردار خواهد شد.

۲ حمایت‌های مستقیم ترامپ از رژیم صهیونیستی در شرایطی که منطقه شاهد جنگ میان صهیونیست‌ها با غزه و لبنان است، می‌تواند زمینه‌ای برای آسیب به جایگاه آمریکا در منطقه ایجاد کند. دولت بایدن با رعایت برخی محدودیت‌ها، فرصت لازم برای آسیب به پایگاه‌های آمریکا را به اندازه کافی در اختیار دشمنانش قرار نمی‌داد، اما ترامپ احتمالا در این خصوص با حرکت‌های بی‌محابایش، فرصت خوبی برای مقاومت باشد.

۳ ایران می‌تواند با بازی درست، از فرصت ترامپ برای افزایش قیمت انرژی بهره گیرد. این افزایش هرچند برای حامیان ترامپ در شرکت‌های نفتی آمریکایی نیز درآمدزاست اما این به معنای زیان تهران نیست و درآمدهای کلانی به دنبال دارد. از سوی دیگر، افزایش قیمت نفت برای حامیان ترامپ هرچند سودآور، اما برای شخص وی از نظر نگاه مردم، منفی تلقی می‌شود. اگر در نیمه اول ریاست‌جمهوری ترامپ قیمت‌های انرژی افزایش یابد، احتمالا در انتخابات میان‌دوره‌ای، قدرت جمهوری‌خواهان در کنگره تضعیف خواهد شد.

۴ ایران می‌تواند با رویگردانی ترامپ از اروپا، نسبت به ارتقای همکاری با این قاره تلاش کند. رویگردانی ترامپ از اروپا به جایگاه جهانی این قاره ضربه می‌زند که یکی از راه‌های ترمیم آن افزایش ارتباطات اروپایی‌ها با دیگر دولت‌هاست. تهران علی‌رغم مشکلات موجود می‌تواند با زحمت فراوان، روابط با اروپا را اصلاح و توسعه دهد.

۵ با تشدید فشارهای ترامپ بر چین، انگیزه‌های پکن برای خنثی‌سازی این فشارها افزایش می‌یابد. ایران می‌تواند در همکاری با چینی‌ها، با طرح‌های توسعه‌طلبانه ترامپ مقابله کند.

۶ حضور ترامپ در رأس قدرت، فشارهای موجود در جامعه آمریکا را افزایش داده و ظرفیت‌های شورش در این کشور را توسعه می‌دهد. به عبارتی دیگر هم مخالفان ترامپ با حضورش در قدرت انگیزه شورش می‌یابند و هم خود وی دارای استعداد شورش است. شورش سیاهان توسط مخالفان ترامپ و اشغال کنگره توسط طرفداران وی که هرکدام به همراه تبعاتشان نزدیک به یک سال صحنه داخلی آمریکا را تحت تأثیر قرار دادند، دو نمونه برجسته از این قضایاست. برهم خوردن تعادل در محیط داخلی آمریکا امکان مانور این کشور در محیط بین‌المللی را کاهش می‌دهد.